



شهید چمران در دوران تحصیل در آمریکا



”

تمدن جدید،  
یک کلیت به  
هم پیوسته  
نیست و  
دستاوردهای  
بسیاری برای  
فراستاندن دارد

زمان ما، چهل سال پس از چمران، بیش از پیش تکثیر و تحکیم شده؛ انبوهی از چمران‌ها؛ از جمله به شکلی آشکار آن که این سطور، درآمدی بر تلاش برای فهمیدن اوست: معجد شهریاری.

در حال نشان دادن تضاد سنت و تجدد به مثابه یک حرف مفت نظریه شده است، این استدلال انسانی و وجوی بی‌شک در

صدرا المتألهین در یکی از نظریات خود با عنوان فیض، استدلال می‌کند که در عالم ممکنات و مادیات، فیض با تضاد ممکن می‌شود. او در کتاب مشهورش الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه در ضمن استدلال‌هایی این چنین می‌نویسد که «لولا التضاد ما صح حدوث الحادثات» و در جایی دیگری از کتاب این چنین توضیح می‌دهد که «لولا التضاد لم صح الکون و الفساد و نیز لولا التضاد ما صح دوام الفیض من المبدأ الجواد». استاد مطهری بر اساس این آرا ملاصدرا اصل فلسفی تضاد را صورت‌بندی می‌کند و در مقاله «اصل تضاد در فلسفه اسلامی» آن را در برابر دیالکتیک قدیم و جدید تشریح می‌کند.

آیت‌الله محمد حسن قدیری عضو هیات استفتائات امام خمینی در نامه‌ای به حضرت امام نسبت به فتوای ایشان در خصوص موسیقی و شرط‌نقد‌های رامطرح می‌کنند. امام خمینی در پاسخ نامه‌ای می‌نویسد که این چنین آغاز می‌شود: «پس از عرض سلام و قبل از پرداختن به دو مورد سؤال و جواب، اینجانب لازم است از برداشت جنابعالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم.» استدلال امام خمینی در مورد «تمدن جدید» که با دیگر دیدگاه‌های ایشان درباره غرب سازگاری دارد در این نامه درج شده است. پایان‌بندی این نامه نشان می‌دهد امام خمینی دیدگاه‌هایی که بر مبنای آن میان رفتن «تمدن جدید» استنباط فقهی می‌کنند را متعلق به «مقدس نماها و آخوندهای بی‌سواد» می‌داند: «شمارا نصیحت پدران می‌کنم که سعی کنید تنها خدا را در نظر بگیرید و تحت تأثیر مقدس نماها و آخوندهای بیسواد واقع نشوید، چرا که اگر بنا است با اعلام و نشر حکم خدا به مقام و موقعیت‌مان نزد مقدس نماهای احمق و آخوندهای بیسواد صدمه ای بخورد، بگذار هرچه بیشتر بخورد.» چند روز بعد امام خمینی در نامه‌ای به دلجویی از آیت‌الله قدیری پرداخته و لحن نامه نخست را در «در حال و هوای مدرسه و درس و بحث» توصیف می‌کنند اما بر جوهره استدلال خود در نامه قبل تأکید می‌کنند که «حصارهای جهل و خرافه» مانع درک صحیح اسلام و غربت جدی آن شده و درگیری انقلاب اسلامی با مقدس‌مآبی و خرافه بسیار جدی است و «قربانی» می‌خواهد: «ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی، صلی‌الله‌علیه‌وآله‌برسیم. و امروز غریب‌ترین چیزها در دنیا همین اسلام است. و نجات آن قربانی می‌خواهد. و دعا کنید من نیز یکی از قربانی‌های آن گردم. خداوند جنابعالی را تأیید فرماید». این مکاتبات امام خمینی در مهرماه ۱۳۶۷ انجام پذیرفته و در صفحات ۱۵۰-۱۵۲ و ۱۶۰ از جلد ۲۱ صحیفه امام خمینی منتشر شده است.

این سخنان رهبری در بخشی از بیانات ایشان در دیدار در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۲ مطرح شده است:

«دانشمند بسیجی این است؛ استاد بسیجی یک چنین نمونه‌ای است. این نمونه‌ی کاملش است که ما از نزدیک مشاهده کردیم. در وجود یک چنین آدمی، دیگر تضاد بین سنت و مدرنیته حرف مفت است؛ تضاد بین ایمان و علم خنده‌آور است. این تضادهای قلابی و تضادهای دروغین - که به عنوان نظریه مطرح می‌شود و وعده‌ای برای اینکه امتداد عملی آن برایشان مهم است دنبال می‌کنند - اینها دیگر در وجود یک همچین آدمی بی‌معنا است. هم علم هست، هم ایمان؛ هم سنت هست، هم تجدد؛ هم نظر هست، هم عمل؛ هم عشق هست، هم عقل.... توقعی که ما داریم و این توقع، توقع زیادی هم نیست، یعنی آن زمینه‌ای که انسان مشاهده می‌کند - این روحیه‌های پرنشاط شما، این دل‌های پاک و صاف، این ذهنهای روشن، این جوّال بودن فکری شما که انسان در عرصه‌های مختلف از نزدیک شاهد است - این امید را و این توقع را به انسان می‌بخشد، این است که فرورده‌ی دانشگاه جمهوری اسلامی - نه به نحو استثنا بلکه به نحو قاعده - چمران‌ها باشند؛ نه اینکه چمران‌ها یک استثنا باشند. این امید، امید بی‌جائی نیست.»